

# بررسی اهداف، رهیافت‌ها و عرصه‌های کارکردی جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران

رضا سراج<sup>۱</sup>  
محمدجواد اخوان<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۳/۲۱  
فصلنامه آفاق امنیت/ سال پنجم / شماره هجدهم - بهار ۱۳۹۲

## چکیده

تحولات سیاسی- اجتماعی جهان معاصر و نیز دستاوردهای بشری در عرصه فناوری، گونه‌ای جدید از منازعات را رقم زده است که با عنوان «جنگ نرم» از آن یاد می‌شود. به عبارت دیگر بهره‌گیری از ظرفیت‌های اثرگذاری اقناعی، القایی و ادراکی برای تغییر رفتار و ساختار جامعه و نظام هدف به یکی از موفق‌ترین روش‌های تخصص تبدیل شده است که کارایی به مراتب بیشتری نسبت به جنگ و تهاجم نظامی دارد. اما پیچیدگی این نوع منازعه و انکار آن توسط برخی محافل که طراح پشت صحنه آن هستند، موجب ایجاد تردیدهایی میان نخبگان نسبت به آن می‌شود. در این پژوهش تلاش شده است با محسوس و عینی کردن جنگ نرم و تبیین رهیافت‌های نظری- کارکردی پیرامون آن، چگونگی پیاده‌سازی آن در عرصه‌های گوناگون بررسی شود. بدین منظور ابتدا مقایسه‌ای بین میزان تأثیرگذاری جنگ نرم و جنگ سخت می‌شود و اهداف راهبردی جنگ نرم در سطوح مهار، تغییر رفتار و تغییر ساختار مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس با مطالعه روند جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران، رهیافت‌های کارکردی منطبق بر این روند در ابعاد و عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی این جنگ واکاوی می‌شود. بر اساس یافته‌های تحقیق، رهیافت‌های کارکردی منطبق بر جنگ نرم را می‌توان در رهیافت سیاسی برگرفته از نظریات «عمقی» و «هانتینگتونی»، رهیافت اجتماعی برگرفته از نظریات جین شارپ، رهیافت اقتصادی برگرفته از نظریه «قدرت هوشمند» و رهیافت فرهنگی برگرفته از نظریه «قدرت هنرمندان» بررسی و تطبیق کرد.

## واژگان کلیدی

جنگ نرم، مهار، تغییر رفتار، تغییر ساختار، رهیافت‌های کارکردی جنگ نرم



## مقدمه

جنگ نرم<sup>۱</sup> را می‌توان آخرین حلقه از سلسله راهبردهای نظام سلطه برای تغییر حکومت‌های ناهماهنگ با منافع‌شان به ویژه در جهان سوم دانست. حلقه‌های پیشین این سلسله را می‌توان دکترین‌هایی همچون «براندازی و ضد براندازی»<sup>۲</sup>، «شورشگری و ضد شورشگری»<sup>۳</sup> و «جنگ کم‌شدت»<sup>۴</sup> نام برد. آمریکایی‌ها پس از شکست در ویتنام، پروژه‌های را از طریق مؤسسات آکادمیک و اندیشکده‌های راهبردی خود مورد بررسی قرار دادند که شکلی تازه از براندازی و تغییر حاکمیت‌ها بود و با استفاده از فرایندهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و در صورت لزوم اجرای عملیات نظامی محدود محقق می‌شد. این مدل در سرنگونی آینده در شیلی و ساندنیست‌ها در نیکاراگوئه کاربردی شد (سراج، ۱۳۸۷: ۴۲).

امروزه رهیافت تقابل‌گرایی و خشونت‌محور با محوریت اقدامات نظامی در نظام بین‌الملل جای خود را به رویکرد نرم‌افزاری و جنگ نرم داده است. این رهیافت توسط مراکز مطالعاتی و مؤسسات وابسته به بنیان‌های غرب اشاعه یافته و توسط مؤسساتی همچون کمیته خطر کنونی<sup>۵</sup>، بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی<sup>۶</sup>، مؤسسه هوور<sup>۷</sup> و بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها<sup>۸</sup> ترویج شده است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۵: ۳۹). در گزارش کمیسیون امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱ و سند ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶، نظام جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین چالش آمریکا در ابتدای قرن ۲۱ معرفی شده است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۵: ۳۹). برخی نظریه‌پردازان و سیاستمداران آمریکایی بر این باورند که هرگونه اقدام خشونت‌آمیز علیه جمهوری اسلامی ایران (به ویژه اقدام نظامی) نفرت ایرانیان از آمریکا و دولت آن را برای سالیان دراز ریشه‌دارتر خواهد کرد. و امکان روی کار آمدن دولتی هوادار آمریکا را در این کشور با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهد کرد. و بی‌ثباتی و ناامنی را در منطقه جنوب غرب آسیا افزایش خواهد داد. این گروه معتقدند جمهوری اسلامی ایران به علت برخورداری از پیشینه دموکراسی و وجود نهادهای

- 1 . Soft War
- 2 . Subversion and Anti-Subversion
- 3 . Insurgency and Counter-Insurgency
- 4 . Low Intensity Conflict
- 5 . Committee on the Present Danger (CPD)
- 6 . National Endowment for Democracy (NED)
- 7 . The Hoover Institute
- 8 . Foundation for Defense of Democracies



مردم‌سالار و هم‌چنین پتانسیل‌های موجود برای حرکت‌های مردمی و غیردولتی از استعداد بالایی برای تغییر نظام سیاسی به روش‌های غیرخسونت‌آمیز برخوردار است. در صورتی که عملیات جنگ نرم در براندازی جمهوری اسلامی به موفقیت برسد، پیامدهای ناشی از روش‌های رویکرد تقابل‌گرا (جنگ سخت) را با خود همراه نخواهد داشت (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۵: ۲۷).

حمایت آشکار از صدهای مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران توسط بالاترین سطوح تصمیم‌گیری در آمریکا، مخدوش و بدنام کردن چهره جمهوری اسلامی در خارج از کشور، تلاش برای مشروعیت‌بخشی، گسترش و توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی مخالف جمهوری اسلامی ایران، دخالت گسترده در امور داخلی ایران به ویژه انتخابات، حقوق بشر، زنان، رسانه‌ها و مذاهب، تبلیغ و ترویج دوگانگی حاکمیت و فعال‌سازی و حمایت از شبکه‌های رسانه‌ای ضد ایرانی بخش‌هایی از سند امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۶ است (راهبرد امنیت ملی آمریکا، ۲۰۰۶). تأمل در اهداف و محتوای رسانه‌های فارسی- امریکایی و سایر کشورهای غربی آشکار می‌سازد که آنان با بهره‌گیری از سازوکارهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، در پی آن هستند تا فرهنگ، روابط و نهادهای اجتماعی، احساس دل‌بستگی و انسجام ملی، وحدت سیاسی و مذهبی را آماج فشار و تهدید قرار دهند و زمینه «تغییر رفتار» و «فروپاشی از درون» را فراهم سازند.

هرچند مسئله جنگ نرم در ادبیات سیاسی کشور ما تا حد زیادی طرح شده است، اما پرسش‌هایی در خصوص این موضوع لاینحل باقی مانده است. نوع رویکرد نخبگان و ادراک آنان از این جنگ جای تأمل بسیار دارد، زیرا ادراک و برداشت برخی مسئولان فرهنگی و اجتماعی از جنگ نرم، ادراکی صحیح نیست. چرا برخی نخبگان جنگ نرم را باور ندارند؟ چرا جنگ نرم برای آحاد جامعه فهم نشده است؟ با اینکه در جنگ نرم همانند جنگ (سخت) اصل بقای حاکمیت مورد تهدید قرار می‌گیرد؛ چرا مورد توجه مخاطبان آن قرار نمی‌گیرد؟ در حقیقت عدم فهم صحیح یک چالش، از خود چالش تهدیدآمیزتر است. به نظر می‌رسد برای حل این چالش، دو رویکرد اساسی را باید دنبال کرد: الف) مقایسه جنگ نرم با جنگ سخت؛ ب) محسوس و عینی کردن جنگ نرم. در این پژوهش با بررسی رهیافت‌ها و عرصه‌های کارکردی این جنگ تلاش خواهد شد پاسخ این پرسش‌ها مورد مطالعه قرار گیرد.



با توجه به کارنامه نظام سلطه در به‌کارگیری انواع راهبردها، راهکارها و ابزارهای سخت و نرم علیه انقلاب و نظام اسلامی در طول ۳۵ سال گذشته، در این پژوهش با مطالعه روند جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران، تلاش شده است ضمن بررسی طراحی و اقدامات دشمن اهداف و رهیافت‌های کارکردی آن بازشناسی شود. پرسش اصلی این پژوهش آن است که جنگ نرم چه گستره‌ای را دربرگرفته و بر پایه چه الگوها و رهیافت‌هایی علیه جمهوری اسلامی ایران پیاده‌سازی شده است؟ همچنین بر پایه کدام نظریات و الگوسازی‌ها انجام گرفته است؟ حوزه‌ها و عرصه‌های ظهور و بروز آن کدامند؟

با توجه به ماهیت پژوهش، روش تحلیلی تبیینی مورد بهره‌برداری قرار گرفته و پژوهشگران با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای - اسنادی موجود و نیز واکاوی‌های میدانی و بهره‌گیری از تجربیات نهادهای مسئول در حوزه جنگ نرم و مقابله با آن به مطالعه رهیافت‌ها و نیز عرصه‌های کارکردی جنگ نرم پرداخته‌اند. در این میان از گزارش‌ها و اسناد راهبردی مراکز مطالعاتی و راهبردی غربی نیز بهره‌برداری شد. با توجه به نوپا و بدیع بودن برخی حوزه‌های نظری، تا حد امکان تلاش شد مفهوم‌سازی مناسب انجام پذیرد.

## ادبیات تحقیق

### ۱. قدرت نرم

قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره‌ای موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است. قدرت نرم معمولاً در مقابل قدرت نظامی و تسلیحاتی و در مواردی قدرت اقتصادی و به عبارتی قدرت سخت و خشن به کار می‌رود. جوزف نای<sup>۱</sup> در تعریف آن می‌گوید: «توانایی یک کشور بر وادار کردن کشورهای دیگر به اینکه همان چیزی را بخواهند که او می‌خواهد و آن هم از راه جاذبه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک که خود در اختیار دارد» (حسن‌خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۸).

نای معتقد است قدرت نرم می‌تواند جایگزین فشار نظامی و اعمال زور و اجبار



شود. این چهره از قدرت در مقابل رفتار تحکم‌آمیز قدرت قرار دارد که می‌توان آن را قدرت جذب‌کنندگی «قدرت نرم» نامید (نای، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

حمید مولانا در تعریف قدرت نرم از واژه «قدرت ناملموس» استفاده و منابع آن را دین، ارزش‌ها و باورها، ایدئولوژی و دانش معرفی می‌کند. هم‌چنین او معتقد است قدرت نرم زیربنای قدرت سخت است و ماهیت آن را مشخص می‌سازد (Mowlana, 1986). در تقسیم‌بندی‌های مختلف از تقابل قدرت نرم و قدرت سخت، از آنها به عنوان قدرت روحی در مقابل قدرت جسمی یا قدرت معنوی در مقابل قدرت مادی یاد می‌شود.

## ۲. جنگ نرم

جنگ نرم در برابر جنگ سخت<sup>۱</sup> در حقیقت شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که جامعه هدف یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و شلیکی، رقیب را به انفعال یا شکست وا می‌دارد (افتخاری، ۱۳۸۷)؛ یا هر اقدام غیرخسونت‌آمیز که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هدف را مورد هجوم قرار می‌دهد تا در صورت پیروزی موجب تغییر در الگوهای جدید شود که با الگوهای رفتاری نظام حاکم تعارض دارد (کرمی، ۱۳۸۷: ۳).

به تعبیر دیگر جنگ نرم استفاده از قدرت نرم علیه نظام‌های سیاسی هدف به منظور تأثیر بر باورها و ارزش‌های بنیادین با هدف دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری متداول در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنهاست (نائینی، ۱۳۸۹: ۹۰).

جنگ نرم را می‌توان مدیریت فرایند و تحولاتی دانست که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی می‌شود. جنگ نرم برنامه‌ریزی و عملیات برای نوعی سلطه کامل در ابعاد چهارگانه فرهنگی، سیاسی، اعتقادی و اجتماعی است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری ملی و بومی در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای نظام سلطه محقق می‌شود.

هدف نهایی جنگ نرم تغییر نظام سیاسی یک کشور با استفاده از بستر تهدید نرم و به فعلیت درآوردن آن در پی از پای درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است. این جنگ، مجموعه‌ای از آسیب‌های داخلی و طراحی‌های خارجی و برنامه‌ریزی شده

به صورت بالقوه در مرحله‌های مختلف برای ایجاد تغییر و دگرگونی در رفتار و هویت است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، در تبیین این جنگ می‌فرماید: «در جنگ نظامی، دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می‌آید. مراکز مرزی ما را سعی می‌کند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند. در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته می‌شود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمان‌ها، معرفت‌ها، عزم‌ها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصت‌های یک نظام را به تهدید تبدیل کند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲).

بر این اساس چارچوب نظری اصلی این پژوهش منطبق بر مبانی اندیشه‌ای و معرفتی انقلاب اسلامی است که بر پایه اندیشه‌های امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای، بنا نهاده شده است. با توجه به ماهیت این جنگ و نیز لزوم توجه به پایه‌های نظری طرف متخاصم، تلاش شده است بخشی از نظریات اندیشمندان غربی که در فهم کارکردهای جنگ نرم مؤثر است، مورد مطالعه قرار گیرد.

## بررسی اهداف، رهیافت‌ها و عرصه‌های کارکردی جنگ نرم

### ۱. اهداف و سطوح جنگ نرم

مفهوم جنگ نرم<sup>۱</sup> در مقابل جنگ سخت<sup>۲</sup> تعریف می‌شود. در مقایسه اثربخشی جنگ نرم و جنگ سخت (نظامی) باید گفت هر دو اهداف مشترکی دارند و نیروی متخاصم سه سطح از اهداف راهبردی را دنبال می‌کند:

الف) مهار یک کشور؛

ب) تغییر رفتار یک حاکمیت؛

ج) تغییر ساختار یک حاکمیت (سراج، ۱۳۹۰).

1 . Soft Warfare

2 . Hard Warfare



## الف) مهار

اولین راهبرد نرم اتخاذ شده توسط ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران «استراتژی مهار»<sup>۱</sup> بود که در دوران حکومت جرج بوش پدر تصویب شد. اجرای این راهبرد به دوران ریاست جمهوری بعدی (کلینتون) نیز رسید. استراتژی مهار با شش هدف عمده «کشیدن دیوار آهنین دور ایران»، «منزوی ساختن کشور»، «وارد آوردن فشارهای خارجی برای فلج ساختن اقتصاد»، «گسترش نارضایتی‌های عمومی» و «کاهش پایگاه مردمی نظام و اثبات ناکارآمدی برای نفی تئوری حکومت اسلامی» در دولت بوش پدر به تصویب رسید. ارکان این استراتژی نیز بر تضعیف بنیه مالی و توان ملی ایران، فلج ساختن اقتصاد کشور از راه تحریم‌های همه‌جانبه و ضربه زدن به مهم‌ترین منابع درآمدی کشور یعنی انرژی نفت و گاز استوار بود.

از این رو در دهه سوم عمر نظام اسلامی مسئله مهار نرم جمهوری اسلامی ایران در دستور کار آمریکا قرار گرفت که تصویب آن نتیجه بررسی‌های کمیته خطر جاری است. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان یافتن جنگ سرد، فعالیت کمیته خطر جاری برای یک دهه به حالت تعلیق در آمد؛ اما این کمیته بار دیگر با اعضا و مأموریتی جدید کار خود را از سر گرفته است. کمیته خطر جاری یکی از مهم‌ترین مراکز تصمیم‌سازی و اتاق فکر نومحافظه‌کاران بوده و تجزیه و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی دولت ایالات متحده، یکی از مأموریت‌های اصلی آن به شمار می‌آید. «پروژه دلتا» یکی از موضوعات مورد بررسی و در واقع راهبرد پیشنهادی کمیته خطر جاری در خصوص مسائل ایران به دولت بوش بود. پیشنهادهای این کمیته مؤید اتخاذ راهبرد مهار و جنگ سرد از سوی نومحافظه‌کاران برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران و بیداری اسلامی است.

در این راستا مارک پالمر<sup>۲</sup> به صراحت با ایده تهاجم نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران مخالفت و اعلام کرده است: «ایران به لحاظ وسعت سرزمینی، کمیت جمعیت، کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی، منابع طبیعی سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در خاورمیانه و هارتلند نظام بین‌الملل، به قدرتی کم‌بیدیل تبدیل شده است که دیگر نمی‌توان با یورش نظامی آن را سرنگون کرد» (سراج، ۱۳۸۶).

هدف نهایی از مهار یک کشور «عدم دسترسی آن کشور به اهداف ملی» است. با

1 . Containment Policy

2 . Mark Palmer

نگاهی به تغییر رهیافت می‌توان دو نوع رویکرد نرم و سخت را در مسئله مهار بررسی کرد:

۱. فرایند مهار سخت: در این حالت با استفاده از ابزارهای سخت و نیمه‌سخت و با بهره‌گیری از قدرت اجبار، یک کشور مهار می‌شود و این فرایند در دو سطح تضعیف قدرت ملی (درون حوزه قلمرو جغرافیایی کشور هدف) و تضعیف عمق راهبردی (ورای قلمرو جغرافیایی) انجام می‌پذیرد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در تبیین عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌فرماید: «استکبار می‌داند که امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی دل‌های مردم با جمهوری اسلامی است؛ می‌داند که عمق سیاسی و استراتژیک نظام جمهوری اسلامی در داخل کشورهای اسلامی است؛ از شمال آفریقا تا شرق آسیا» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴).

۲. فرایند مهار نرم: در این فرایند، بدون بهره‌گیری از ابزار جبری و صرفاً با قدرت اقناعی و القایی، موجبات عدم دسترسی یک کشور به اهداف ملی فراهم می‌آید. این فرایند نیز در دو سطح تضعیف قدرت ملی (از طریق بی‌ثبات‌سازی) و تضعیف قدرت نرم (از طریق جنگ روانی، اجماع و انزوا) انجام می‌گیرد.

#### ب) تغییر رفتار

تغییر رفتار فرایندی است که در آن آماج و مخاطب، خواه بر اثر پذیرش اجبار یا به صورت اقناعی، رویکرد و نوع ادبیات و عمل سیاسی خود را تغییر می‌دهد. هدف نهایی به‌کارگیری راهبرد تغییر رفتار «عقب‌نشینی کشور هدف از اهداف ملی» است. این فرایند، بخشی از راهبرد کلی آمریکا در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است که با توجه به ماهیت هویتی و گفتمانی انقلاب اسلامی، تغییر رفتار جمهوری اسلامی به معنای بازگشت از مسیر اصیل و منطبق بر مبانی اندیشه‌ای آن و در حقیقت تغییر هویت جمهوری اسلامی ایران است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این باب می‌فرماید: «نگاه ایالات متحده آمریکا به نظام اسلامی، نگاه نفی موجودیت است؛ ... تغییر رفتاری که آنها می‌گویند، اگرچه همیشه هم روی آن پافشاری ندارند، معنایش نفی هویت است؛ یعنی آن رفتارهای اصلی که شاخص اسلامی بودن است، باید تغییر پیدا کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۵/۲۷).

ایشان هم‌چنین می‌فرمایند: «اهمیت این قضیه از این باب است که تغییر





جهت‌گیری‌ها تدریجی است، نامحسوس است؛ این جور نیست که از اول کار، این تغییر جهت‌گیری با ۱۸۰ درجه اتفاق بیفتد؛ اول با زاویه‌های خیلی کوچک‌تر، این تغییر شروع می‌شود؛ هرچه ادامه پیدا می‌کند، فاصله راه اصلی - که صراط مستقیم است - با این انحراف، روز به روز بیشتر می‌شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۳/۱۴).

بنابراین فرایند تغییر رفتار را در دو نوع رویکرد سخت و نرم تعریف کرد:

۱. فرایند تغییر رفتار سخت: با اعمال فشارها و محدودیت‌های اقتصادی، تهدید معتبر نظامی (لبه پرتگاه جنگ)، و اقدام نظامی محدود؛ این فرایند موجب ایجاد اشتباه محاسباتی در نخبگان آحاد جامعه هدف و وادارسازی آنان به محاسبه مجدد می‌شود و در نهایت «عقب‌نشینی از اهداف ملی» را به دنبال خواهد داشت.

۲. فرایند تغییر رفتار نرم: این فرایند در سه مرحله تغییر نگرش جامعه از طریق استحاله سیاسی و فرهنگی و هم‌چنین از طریق فشار، محدودیت و جنگ روانی؛ نفوذ در حاکمیت؛ دوگانگی در حاکمیت شکل می‌گیرد و در نهایت با تغییر رفتار حاکمیت از درون «عقب‌نشینی از اهداف ملی» را به دنبال خواهد داشت.

### ج) تغییر ساختار

تغییر ساختار نظام جمهوری اسلامی با رویکردهای سخت و نرم، از قدیمی‌ترین و البته پر تکرارترین روش‌های مقابله‌ای ایالات متحده آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران بوده است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی: «دشمنان این نظام و انقلاب، تغییر ساختار اصل نظام را هدف گرفته‌اند و اصلاحات از نظر آنها، یعنی تغییر نظام و تبدیل نظام جمهوری اسلامی به یک نظام وابسته و سرسپرده دشمن‌های مستکبر» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۱/۲).

ایشان در خصوص روند تاریخی به‌کارگیری انواع روش‌های براندازانه ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران می‌فرمایند: «آنها در آن دوره ده ساله اول، با توطئه براندازی سخت - جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی - شروع کردند؛ اما نتوانستند کاری بکنند. ... در دوره بعد، براندازی نرم را دنبال کردند - تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی - که آن هم به جایی نرسید» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۳/۲۹).

تغییر ساختار یک حاکمیت نیز در دو فرایند سخت و نرم قابل بررسی است:

۱. تغییر ساختار سخت با روش‌هایی هم‌چون کودتا، جنگ داخلی و اشغال نظامی؛

۲. تغییر ساختار نرم با روش‌های براندازی نرم، استحاله حاکمیت، و اشغال مدنی و فروپاشی از درون.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص می‌فرماید: «هدف‌هایی که آنها دنبال می‌کردند، در درجه اول، سقوط انقلاب و سقوط نظام جمهوری اسلامی بود. هدف اول، براندازی بود. هدف بعدی این بود که اگر براندازی نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند، انقلاب را استحاله کنند؛ یعنی صورت انقلاب باقی بماند، اما باطن انقلاب، سیرت انقلاب، روح انقلاب از بین برود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵).

در سال‌های اخیر سیاست‌مداران کاخ سفید ترکیبی از رویکردهای سخت و نرم را در سه فرایند مهار، تغییر رفتار و تغییر ساختار به کار گرفته‌اند. کمیته خطر جاری در پایان گزارش به مقامات کاخ سفید و دستگاه دیپلماسی آمریکا چنین توصیه می‌کند: «کمیته خطر جاری معتقد است که واشنگتن به رویکرد جدیدی نیاز دارد که مبتنی بر به رسمیت شناختن تهدید ایران از یک سو و ستایش فرصت‌های ناشی از این وضعیت از سوی دیگر باشد. توصیه این کمیته، اتخاذ راهبرد صلح‌آمیز، اما مؤثر برای به مشارکت گرفتن مردم ایران است» (Palmer, 2004).

جدول ۱- انواع فرایندهای تهاجمی در رویکردهای سخت و نرم

جنگ نرم	جنگ سخت	
مشغول‌سازی، بی‌ثبات‌سازی، جنگ روانی، اجماع و انزوا	بی‌ثبات‌سازی سخت و نیمه سخت	مهار
نفوذ و استحاله سیاسی و فرهنگی، فشار، محدودیت و جنگ روانی	اعمال فشارها و محدودیت‌های اقتصادی، تهدید معتبر نظامی، اقدام نظامی محدود، وادارسازی به تسلیم و پذیرش فریب راهبردی، اشتباه محاسباتی و محاسبه مجدد	تغییر رفتار
براندازی نرم، اشغال مدنی و فروپاشی از درون	کودتا، جنگ داخلی و اشغال نظامی	تغییر ساختار

## ۲. سرمایه‌گذاری‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در جنگ نرم

آنچه روشن است بررسی ماهیت نظری مسئله جنگ نرم به مراتب از نگاه ابزارمدارانه بدان مهم‌تر است؛ با این حال برای فهم عرصه‌های عملی این جنگ و نیز تأثیر کارکردی رهیافت‌های مختلف بر آن، باید چارچوب‌های پیاده‌سازی آن را به خصوص با بررسی مدل جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران مورد اشاره قرار داد.



در حال حاضر پیشرفت فناوری‌های برتر، یکی از پیشرانده‌های جدی موفقیت جنگ نرم بوده و دستاوردهای جدید فناورانه و سرعت رشد فناوری به گسترش نفوذ و تاکتیک‌های این جنگ کمک کرده است. با مروری بر اقسام فناوری‌های به‌کارگیری شده در این حوزه، سه نوع فناوری برتر و جدید مؤثر در این جنگ که مورد بهره‌برداری دشمنان انقلاب اسلامی نیز قرار گرفته است، شناخته می‌شود:

۱. شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای؛

۲. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی؛

۳. تولید نرم‌افزار و فناوری دیجیتال.

شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای با گستره‌ای که تقریباً تمام جهان را تحت پوشش خود قرار داده‌اند به یکی از مهم‌ترین ابزارهای جنگ نرم تبدیل شده‌اند. جنگ رسانه‌ای به ظاهر بین رادیو و تلویزیون‌ها، مفسران مطبوعاتی، خبرنگاران خبرگزاری‌ها، شبکه‌های خبری و سایت‌های اینترنتی جریان دارد، اما واقعیت آن است که پشت این جدال ژورنالیستی چیزی به نام سیاست رسانه‌ای یک کشور نهفته است که به طور مستقیم توسط بودجه‌های رسمی مصوب پارلمان‌ها یا بودجه‌های سری سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی و سرویس‌های جاسوسی تغذیه می‌شود (Robhn, 2006:5).

مشهور است جوانان آلمانی که دیوار برلین را فرو ریختند، تی‌شرت‌هایی با آرم شبکه ام.تی.وی آمریکا پوشیده بودند؛ حتی رئیس هیئت مدیره رادیو و تلویزیون دولتی آمریکا، بی.بی.جی، با قاطعیت تأکید کرد: ام.تی.وی دیوار برلین را فرو ریخت (Fraser, 2008: 173).

بر اساس آمارهای موجود، ۵/۴ میلیون گیرنده ماهواره‌ای غیرمجاز در ایران فعال است و از ۱۷ هزار و ۶۶۶ شبکه ماهواره‌ای جهانی، نزدیک به سه هزار شبکه داخل کشور قابل دریافت است. از این تعداد ۳۸۰ شبکه به موسیقی، ۷۴ شبکه به تبلیغات مد لباس و لوازم آرایش، ۲۷۳ شبکه به تبلیغ ادیان ساختگی و ۲۳۵ شبکه به برنامه‌های مبتذل اختصاص یافته‌اند (آرین‌منش، ۱۳۸۷). از سویی مجلس نمایندگان ایالات متحده با تخصیص بودجه سالانه به توسعه شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان ضد انقلاب، به صورت مستقیم در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران مداخله می‌کند؛ زیرا این شبکه‌ها با بهره‌گیری از ترفندهای تبلیغاتی تلاش می‌کنند زمینه‌های ناامنی‌های مدنی در پنج سطح صنفی، دانشجویی، قومی، فرقه‌ای و اجتماعی را فراهم کنند.

هم‌چنین فضای مجازی یکی از عرصه‌های آشکار جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی

ایران بوده است. در سال ۱۳۸۸ در جریان فتنه پس از انتخابات ریاست جمهوری، کشورهای غربی علاوه بر فعالیت در حوزه شبکه‌های تلویزیونی، در عرصه اینترنت نیز خدماتی از قبیل ارائه نرم‌افزارهای پیشرفته برای دیدن فیلم‌های مربوط به اغتشاشات با اینترنت سرعت پایین، برنامه‌های ضد پالایه (فیلترشکن) متناسب با ساختار شبکه ایران، نرم‌افزار ترجمه انگلیسی به فارسی و بالعکس برای استفاده عمومی، سرویس‌دهی خاص از سوی شرکت توییت‌ر برای مخاطبان ایرانی و فعال کردن نسخه آزمایشی فارسی شبکه فیس‌بوک در راستای تسهیل ارتباطات میان کاربران ایرانی و سایر کشورها به اغتشاشگران ارائه دادند (اخوان، ۱۳۸۹ ب: ۳۰۳).

نتیجه پیوند سه ضلع فناوری در حوزه جنگ نرم، هم‌افزایی ابزارها را در پیشبرد اهداف جنگ نرم نمایان می‌سازد.



نمودار ۱- پیوند سه ضلع فناوری در حوزه جنگ نرم

### ۳. رهیافت‌ها و عرصه‌های کارکردی جنگ نرم

یکی از چالش‌های موجود در شناخت و فهم جنگ نرم، چگونگی محسوس و عینی کردن جنگ نرم برای آماج آن است. به نظر می‌رسد با شناخت عرصه‌های چهارگانه جنگ نرم، ادراک و برداشت مخاطب نسبت به جنگ نرم عینی و محسوس می‌شود؛ به علت ماهیت خاص جنگ نرم، فهم یکباره آن با تمام ابعاد از لحاظ ظاهری قدری پیچیده و تقریباً ناممکن است و گاه ممکن است آماج این جنگ، عملاً خود متوجه گرفتار شدن در آن نشود و پیامدهای آن گریبان‌گیر وی گردد؛ لذا با بررسی رهیافت‌های کارکردی ارائه‌شده می‌توان ادراک و برداشت مخاطبین به جنگ نرم را، به عنوان جنگی تمام‌عیار، شکل داد.

با شبیه‌سازی و بهره‌گیری از مدل‌های طراحی و عملیاتی‌شده نظام سلطه علیه کشورهای هدف، می‌توان چهار عرصه کلی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را برای جنگ نرم شناسایی کرد:



متناسب با هر یک از این عرصه‌های عملی، رهیافت‌هایی نظری وجود دارد که زیربنای معرفتی و اندیشه‌ای تقابل و نیز چارچوب کلی بهره‌گیر از روش‌ها را روشن می‌سازد. در جدول ۲ چارچوب کلی عرصه‌ها و رهیافت‌ها مورد اشاره قرار گرفته است:

جدول ۲- عرصه‌ها و رهیافت‌های جنگ نرم

عرصه جنگ نرم	رهیافت	مخاطبین	هدف
سیاسی	هانتینگتونی عمقی	نخبگان - جامعه	تغییر رفتار و تغییر ساختار
اجتماعی	جین شاری	جامعه	تغییر ساختار
اقتصادی	هوشمند	نخبگان - جامعه	تغییر رفتار
فرهنگی	هنرمندانه	جامعه	تغییر رفتار و تغییر ساختار

#### الف) رهیافت‌های جنگ نرم در عرصه سیاسی

جنگ نرم در عرصه سیاسی بیشتر با هدف تغییر رفتار و در نهایت تغییر ساختار نظام کشور هدف است. در خصوص ماهیت این عرصه از جنگ نرم، دو رهیافت نظری مهم وجود دارد که عبارت‌اند از: تئوری عمقی مک کوالی و «رهیافت هانتینگتونی». با توجه به خاستگاه جغرافیایی این نظریات می‌توان از آنها به ترتیب با عنوان رهیافت انگلیسی و رهیافت آمریکایی جنگ نرم یاد کرد.

- **نظریه عمقی مک کوالی:** این نظریه بر مبنای اندیشه‌های مک کوالی، از مستشاران انگلیسی در هند، شکل گرفته است. بر اساس این نظریه، باید بخش کوچکی از جامعه را در مراکز آکادمیک تحت تربیت غربی قرار داد و زمینه به قدرت رسیدن آنها را به مسئولیت‌های عالی فراهم کرد. دولت انگلستان با طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌ای حدوداً بیست ساله در مستعمره خود، هند، موفق به ایجاد نسلی شد که به دلیل تحصیلات عالی خود، مراکز تصمیم‌گیری سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در اختیار گرفتند و به علت تعلق خاطر به معیارهای غربی، زمینه تسلط هرچه بیشتر غرب بر هند را فراهم آوردند (خرم، ۱۳۷۸: ۳۰).

نمونه بارز پیاده‌شده این مسئله را در نسل نخبگان و طبقه حاکم در دوره پهلوی در ایران می‌توان مشاهده کرد. هم‌چنین موج تحصیل برخی مسئولان کشور در دانشگاه‌های اروپایی، به خصوص انگلستان در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ ش.



نمونه‌ای دیگر از این رویکرد است. در این مقطع ۲۵۰۰ نفر برای تحصیل دوره دکتری به خارج از کشور - انگلستان، کانادا، استرالیا و فرانسه - با بورسیه دولت سازندگی اعزام شدند که بعدها بخش عمده‌ای تجدیدنظرطلبان دوره موسوم به دوم خرداد را تشکیل دادند (اخوان و شاه‌نظری، ۱۳۸۸: ۱۷۵).

یکی دیگر از سازوکارهای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران در جنگ نرم، جذب دانشجوی و متخصص ایرانی به آمریکا و اروپای غربی است. آمریکا این روش را در طول جنگ سرد علیه شوروی به کار برد و همین فارغ‌التحصیلان، عاملی در براندازی نرم در شوروی سابق بودند. حمایت از اعطای بورس‌های علمی - فرهنگی به ایرانیان می‌تواند به عنوان تقویت‌کننده برنامه‌ها و فشار برون‌مرزی آمریکا به ایران باشد. عباس میلانی، مدیر پروژه دموکراسی در ایران دانشگاه استنفورد آمریکا (هاور)، می‌گوید: «با حمایت از بورس دانشجویی می‌توان دیپلماسی نرم را با سایر سازوکارهای تکمیلی (تأثیر رسانه‌های اینترنتی و ماهواره‌ها) پیش برد ... باید اعطای بورس به ایرانیان افزایش یابد، ویزا گرفتن برای ایرانیان به دلیل فقدان سفارت آمریکا در ایران تسهیل شود، و مطالعات ایران و اسلام و شیعه‌شناسی در آمریکا شکل گیرد» (بصیری، ۱۳۹۱: ۱۶۸).

کاندولیزا رایس، وزیر خارجه سابق آمریکا، می‌گوید: «در سال ۱۹۷۵ م، ۲۰۰ هزار دانشجوی ایرانی در آمریکا بودند که امروز به دوهزار تقلیل یافته است. باید این سازوکار عوض شود» (Beeher, 2006:2).

- رهیافت هانتینگتون: ساموئل هانتینگتون<sup>۱</sup> نظریه پرداز و استراتژیست آمریکایی، در کتاب موج سوم: ترویج دموکراسی در پایان سده بیستم<sup>۲</sup> که در ۱۹۹۱ میلادی منتشر شد، جهان شمولی و فراگیری لیبرال دموکراسی را در پایان قرن بیستم مطرح و راهبردها و راهکارهای عملیاتی از میان برداشتن نظام‌های تهدیدکننده لیبرالیسم را تئوریزه کرد (سراج، ۱۳۸۷: ۹۲).

در این رهیافت، لایه عمل‌کننده دشمن، نخبگان و سیاسیون درون کشور هدف ولی متمایل به دشمن هستند که با پیاده‌سازی راهبردها و راهکارهای پیشنهادی هانتینگتون، زمینه لازم را برای براندازی نظام فراهم می‌آورند.

1 . Samuel Huntington

2 . The third wave; democratization in the late twentieth century



رهیافت هانتینگتونی شامل سه فرایند پیشنهادی به هواخواهان لیبرالیسم است: از تغییر شکل، فروپاشی، و جابه‌جایی قدرت.

هانتینگتون فرایند تغییر شکل را در حکومت‌هایی مؤثر می‌داند که هواداران لیبرالیسم در خود نظام حاکم به شدت نفوذ دارند و افرادی از درون خود رژیم نقش قاطعی در ایجاد لیبرال دموکراسی ایفا می‌کنند. این فرایند در پنج مرحله شکل می‌گیرد: ۱. ظهور اصلاح‌طلبان در حکومت؛ ۲. کسب قدرت توسط اصلاح‌طلبان؛ ۳. شکست فرایند لیبرال شدن؛ ۴. مشروعیت قهقرایی؛ ۵. انتخاب و جذب مخالفان (هانتینگتون، ۱۳۸۲: ۱۵۴-۱۴۰).

در فرایند فروپاشی، برخلاف تغییر شکل، اصلاح‌طلبان در حکومت یا وجود ندارند یا در اقلیت‌اند و مخالفان باید از طریق تظاهرات و شورش و اعتراضات باعث فروپاشی نظام حاکم شوند. در این فرایند یک خلأ قدرت به وجود می‌آید که فرد یا گروهی باید آن را پر کند.

پاره‌ای از رهنمودهای ارائه‌شده برای تسریع فرایند فروپاشی عبارت است از:

۱. جلب گروه‌های دلسردشده از نظام؛ ۲. همراه کردن نظام‌ها؛ ۳. تبلیغ عدم خشونت ولی عمل کردن با خشونت؛ ۴. ارتباط با نهادهای خارجی و کنگره آمریکا؛ ۵. ایجاد وحدت در گروه‌های مخالف؛ ۶. آمادگی برای پر کردن خلأ قدرت (همان: ۱۶۷ و ۱۶۸).

فرایند جابه‌جایی در رژیم‌های اقتدارگرا برابندی از دو فرایند قبلی است؛ به طوری که در این فرایند نوعی تعادل میان اصلاح‌طلبان و اقتدارگراها در حکومت وجود دارد و اصلاح‌طلبان باید با امتیازگیری و مذاکرات، مرحله گذار به دموکراسی را تسهیل کنند. در این فرایند باید وزن مخالفین با حاکمیت مساوی شود. به این منظور اصلاح‌طلبان باید از حاکمیت خارج شوند و ائتلاف کنند تا وزن بیرون حاکمیت با حاکمیت یکی شود. در این شرایط حاکمیت در بن‌بست قرار می‌گیرد که مذاکره کند؛ بدین ترتیب جابه‌جایی قدرت صورت می‌گیرد.

به عقیده هانتینگتون، در موج سوم، انتخابات در بسیاری کشورها عامل فروپاشی نظام‌های هدف بوده است. در این کشورها حاکم، با اطمینان از پیروزی، برای کسب مشروعیت اقدام به برگزاری انتخابات می‌کند و به طور غیرمنتظره‌ای که نویسنده آن را الگوی انتخابات شگفت‌آور می‌خواند، شکست می‌خورد.

می‌توان گفت پیش‌شرط تحقق رهیافت هانتینگتونی، وجود گروهی از نخبگان

داخلی بالقوه و متمایل به لیبرالیسم داخل حاکمیت، کسب قدرت آنان از طریق شیوه‌های قانونی و رسمی و توانایی همراه‌سازی بدنه اجتماعی در پذیرش ارزش‌های لیبرالی است (نائینی، ۱۳۹۱: ۴۰۹).

نمونه بارز پیاده‌سازی الگوهای پیشنهادی هانتینگتون را در دوره موسوم به دوم خرداد (سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ هـ ش) می‌توان مشاهده کرد (سراج، ۱۳۷۸).

### ب) رهیافت جنگ نرم در عرصه اجتماعی

در این رویکرد از جنگ نرم، هدف بیشتر عموم مردم جامعه است و طراحی به دنبال جهت‌دهی اجتماعی مردم صورت می‌گیرد و تمایل به اهداف مطلوب دارد. یارگیری از جامعه هدف (تبدیل بخشی از مردم به پیاده‌نظام و جاده صاف‌کن دشمن) راهبرد اساسی این عرصه از جنگ نرم به شمار می‌آید.

زیربنای نظری این عرصه را می‌توان در نظریات جین شارپ<sup>۱</sup>، نظریه پرداز آمریکایی عملیات غیرخشونت‌آمیز و انقلاب رنگین، دانست. مهم‌ترین اثر جین شارپ در این زمینه کتاب از دیکتاتوری به دموکراسی<sup>۲</sup> است. آخرین اثر شارپ با عنوان کاربرد کنش بی‌خشونت: تمرین قرن بیستم و پتانسیل آن در قرن بیست و یک در ژوئن ۲۰۰۵ منتشر شد. این کتاب کارهای قدیمی شارپ را دربرمی‌گیرد با مثال‌هایی که این روش‌ها در آنها عملاً به کار برده شده‌اند و همین‌طور درس‌هایی برای براندازان نرم در آن وجود دارد. شارپ در این عرصه کار خود را با بررسی روش‌های گاندی آغاز کرد. از سال ۱۹۸۷ با اوج‌گیری حمایت دولت آمریکا از شارپ، او سمینارهایی با عنوان «روش‌های دفاعی از طریق نافرمانی مدنی» برگزار کرد و بدین ترتیب، رشته درسی «بازدارندگی مدنی» وارد برنامه‌های درسی دانشکده دفاع ملی آمریکا شد. هم‌زمان با این رخدادها، او اقدام به تشکیل «حزب دموکراتیک ترقی‌خواه» در تایوان، ترغیب گروه‌های سازش‌کار سازمان آزادی‌بخش فلسطین به مبارزات مدنی و اقدامات نرم کرد.

در فوریه ۱۹۹۰، شارپ کنفرانسی را درباره «عدم خشونت» در ایالات متحده برگزار کرد که ۱۸۵ کارشناس از ۱۶ کشور جهان در آن حضور داشتند. یکی از اهداف این سمینار، گسترش اندیشه تغییرات غیرخشونت‌آمیز در کشورهایی بود که حکومت‌های ناسازگار با ایالات متحده داشتند. از این زمان می‌توان ردپای شارپ را در

1 . Gene Sharp

2 . From dictatorship to democracy



سیاست بین‌المللی آمریکا برای ایجاد تغییرات ژئوپلیتیکی در جهان دید که آخرین نمونه آن انقلاب زعفرانی در برمه (میانمار) است. شارپ تظاهرات شورشیان و راهبان بودایی در این کشور را مستقیماً هدایت کرد و از پشتیبانی رسانه‌هایی چون رادیو دموکراسی برمه و مجله عصر جدید که با بودجه بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی (NED) راه‌اندازی شده‌اند، بهره‌مند بود (فضلی‌نژاد، ۱۳۸۶).

رابرت هلوی<sup>۱</sup>، افسر بازنشسته سازمان سیا، در کتاب خود با عنوان مبارزه عاری از خشونت، تأملی در بنیادها می‌نویسد: «مبارزه عاری از خشونت (یعنی همان کودتای مخملی) تفاوت خاصی با درگیری نظامی ندارد جز اینکه اسلحه به کاررفته در آن متفاوت و منحصر به این روش است» (اخوان، ۱۳۸۹ الف: ۴۶).

جین شارپ در کتاب از دیکتاتوری تا دموکراسی، پس از بیان ناکارآمدی مبارزات خشونت‌آمیز، سراغ سایر گونه‌های اعتراض می‌رود و یک به یک به نفی آنها می‌پردازد. جنگ‌های چریکی، کودتای نظامی و انتخابات را بررسی و نفی می‌کند تا شیوه مد نظر خود را در نفی خصیصه‌های نامطلوب آنها معرفی کند. وی تمام گونه‌های خشونت‌آمیز مبارزه اعم از جنگ‌های چریکی و کودتا را به علت وجود شاخصه خشونت، مورد انتقاد قرار می‌دهد و انتخابات و مذاکره را نیز بدان علت که ساختگی است و قدرت غالب و مجری آن، نظام دیکتاتوری است، بی‌نتیجه می‌خواند (شارپ، ۱۹۹۳: ۳).

شارپ در ادامه معرفی گروه دیگری از معترضان دیکتاتوری، با نگاهی مملو از بی‌اعتمادی به دخالت خارجی‌ها، با تأکید بر تحرکات مردمی، مباحث خود را پی می‌گیرد. او در فصل دوم این کتاب عقب‌نشینی را نفی و بر ایستادگی و مقاومت تأکید و اشاره می‌کند که مذاکره با دیکتاتور به عنوان گزینه‌ای برای رهایی از دست او به هیچ وجه نمی‌تواند کارایی مقاومت را داشته باشد (همان: ۱۳).

از این مقطع و پس از نفی تمام گزینه‌های موجود در مبارزات دموکراسی‌خواهان، جین شارپ به توضیح تئوری خود در شیوه مبارزات خشونت‌پرهیز می‌پردازد.

گام بعدی شارپ در تبیین نظریه خود، به نوعی با جمع‌بندی گفته‌های پیشین همراه است. او در این مرحله ضمن روشن‌تر کردن خواسته خود، عنوان «مبارزه طلبی سیاسی» را بر شیوه مبارزه پیشنهادی خود قرار می‌دهد و ویژگی‌های این گونه از جدال را برمی‌شمرد. نکته حایز اهمیت در بیان این ویژگی‌ها، برجسته‌سازی نقش مردم در این‌گونه مبارزات در قالب بسیج توده‌ای و جنبش‌های اجتماعی خودساخته

است. اشاره به نقش مؤثر مردم، گروه‌های اجتماعی و مؤسسات مختلف، به صورت کلی واحد با هدف خاتمه دادن به سلطه وحشیانه عده‌ای معدود، که از ویژگی‌های مبارزه‌طلبی سیاسی است، مقدمه‌ای بود که جین شارپ بتواند آخرین گام را در تشریح تئوری خود بردارد.

در اینجا باید به نقش پررنگ شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد در این عرصه از جنگ نرم اشاره کرد. شارپ در این بخش از ارائه بحث خود به وضوح به نقش مؤسسه‌های غیردولتی در تشکیل جنبش‌های اجتماعی برای شکل‌گیری مبارزات خشونت‌پرهیز اشاره می‌کند: «یکی از مشخصه‌های جوامع دموکراتیک، وجود گروه‌ها و مؤسسات متعدد غیردولتی و مستقل از حکومت است ... این مراکز قدرت شالوده‌مؤسساتی را تشکیل می‌دهند که مردم از طریق آنها خواهند توانست به دیکتاتور فشار وارد و با وی مقابله کنند. در آینده نیز این تشکیلات بخشی از نظام یک جامعه آزاد خواهند بود. به همین دلیل استقلال و رشد مستمر آنها پیش‌نیاز موفقیت مبارزات آزادی‌خواهانه است» (همان: ۱۱).

به طور کلی تمرکز بر تئوری جین شارپ مبنی بر ضرورت ایجاد همبستگی اجتماعی و تشکیل هسته‌های به‌هم‌پیوسته حاصل پیوند خرده جنبش‌های اجتماعی است. شارپ قریب ۲۰۰ روش را برای براندازی حکومت‌ها به احزاب و گروه‌های معارض با نظام‌ها توصیه می‌کند. این روش‌ها در مجموع در سه دسته اصلی طبقه‌بندی شده‌اند: الف) اعتراض و ترغیب؛ ب) عدم همکاری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی؛ ج) تهاجم‌های غیرخشونت‌آمیز. روش‌های اعتراض و ترغیب عمدتاً تظاهرات نمادین را شامل می‌شوند که بالغ بر ۵۴ روش است. عدم همکاری شامل تحریم‌ها و اعتصابات، در مجموع ۱۰۳ روش را دربرمی‌گیرد و تهاجم‌های غیرخشونت‌آمیز نیز با راهکارهای روانی، فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شامل ۴۱ روش، دسته سوم این اقدامات به شمار می‌روند (اخوان، ۱۳۹۰: ۲۰).

البته شارپ تنها به بیان نظری و تئوریک این مطالب اکتفا نکرده و به عنوان استراتژیست گونه‌های براندازی نرم به تدریس این مباحث در قالب کارگاه‌های آموزشی و همچنین تدوین جزوه‌های عملی و اجرایی برای آموزش قدم به قدم نافرمانی مدنی پرداخته است. توسل به الگوی جین شارپ که مبتنی بر الگوهای رفتاری هم‌چون «برجسته‌سازی کاستی‌های جامعه و ترویج نارضایتی عمومی میان آنها» و سپس



«افزایش اعتراضات» و پس از آن «ایجاد انسجام برای ساخت جنبش اجتماعی فراگیر» طراحی شده است، در سال‌های اخیر توسط جریان‌های اپوزیسیون نظام به اجرا درآمده است. جین شارپ در یکی از مصاحبه‌های خود ضمن تأکید بر اینکه دولت ایالات متحده آمریکا باید بودجه‌ای برای حمایت از چنین اقداماتی در جمهوری اسلامی ایران اختصاص دهد، در خصوص میزان تأثیرگذاری کتابش بر تحولات سال‌های اخیر ایران می‌گوید: «کار ما اثر بسیار مهمی در ایران داشته است. البته متأسفانه هنوز حرکتی کاملاً موفقیت‌آمیز نداشته است... این کار خطرناکی است، ولی مردم به اندازه کافی شجاع بودند که این امور را انجام دهند» (Sharp, 2005).

خطمشی کلی در سازماندهی این انقلاب‌ها عبارت است از:

۱. تزریق کمک‌های مالی آمریکا و غرب به مخالفان و حمایت تبلیغاتی وسیع از مخالفان در رسانه‌های غربی؛
  ۲. متهم کردن نظام حاکم به یک‌سری مفساد و ناکارآمدی؛
  ۳. افزایش انتظارات و مطالبات عمومی در جریان مبارزات انتخاباتی و افزایش هیجانانگیزی ناشی از آن؛
  ۴. متهم کردن دولت به تقلب و از پیش، برنده اعلام کردن جریان‌های متمایل به غرب؛
  ۶. اعلام عدم مشروعیت دولت جدید و به رسمیت نشناختن آن؛
  ۷. فراخوان مخالفان و مبارزه منفی و نافرمانی مدنی و برگزاری تظاهرات آرام و گاهی هم اغتشاش؛
  ۸. درخواست ابطال انتخابات و برگزاری مجدد آن و پافشاری بر این اصل؛
  ۹. برگزاری انتخابات مجدد تنها با قید حضور ناظران بین‌المللی.
- نمونه‌های این‌گونه انقلاب‌ها را می‌توان در چند کشور اروپای شرقی و آسیای مرکزی شامل چک‌اسلواکی، صربستان، گرجستان، اوکراین و قرقیزستان مشاهده کرد: فتنه ۸۸ و حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم: انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ ایران را می‌توان یکی از مصادیق تلاش برای برپایی انقلاب مخملی از طریق جنگ نرم اجتماعی دانست که البته این توطئه ناکام ماند. «تیری می‌سان»<sup>۱</sup> تحلیلگر سیاسی فرانسوی و مؤسس پایگاه اینترنتی «ولاتایر»<sup>۲</sup> در مقاله‌ای با عنوان

1 . Thierry Meyssan

2 . Volataire

«شکست انقلاب رنگی در ایران»،<sup>۱</sup> از حوادث سال ۱۳۸۸ در ایران با نام «انقلاب سبز» یاد کرده و درباره آن نوشته است: «انقلاب سبز، آخرین مدل و جدیدترین نسخه از انقلاب‌های رنگی است که در ایران با شکست مواجه شد ... عملیات و سناریوی انقلاب رنگی که در سال ۲۰۰۹ در ایران به اجرا درآمد، در فهرست طویل انقلاب‌های قلابی و ساختگی قرار دارد» (Meysan, 2009).

وی با اشاره به طراحی این عملیات در سال ۲۰۰۷ می‌نویسد: «در ابتدا، کنگره آمریکا لایحه تخصیص بودجه ۴۰۰ میلیون دلاری برای پروژه تغییر نظام در ایران را با اکثریت آرا تصویب کرد. پس از آنکه رئیس ستاد کل نیروهای مسلح آمریکا تأیید کرد که نباید هیچ‌گونه حمله نظامی علیه ایران صورت گیرد، دولت بوش تصمیم گرفت یک انقلاب رنگی در ایران به راه اندازد. سپس این تصمیم به تأیید دولت اوباما نیز رسید» (Meysan, 2009).

این نویسنده فرانسوی به مراحل انقلاب رنگی در جریان انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ایران می‌پردازد و این مراحل را به شرح زیر برشماری می‌کند:

۱. حمایت گسترده از یک نامزد انتخاباتی؛
۲. به چالش کشاندن نتایج انتخابات ریاست جمهوری؛
۳. خرابکاری وسیع و گسترده؛
۴. سرنگونی دولت احمدی نژاد و نظام دینی؛
۵. برپایی دولت انتقالی توسط میرحسین موسوی.

تیری می‌سان در نوشتار خود، مایکل لدین (یکی از هدایت‌گران عملیات‌های سری و پنهان آمریکا) و موریس آمیتای (یکی از مدیران سابق آپیک<sup>۲</sup>) را مسئول پروژه انقلاب رنگی در ایران معرفی و تصریح می‌کند: برای پیشبرد پروژه مذکور، شبکه یکپارچه اینترنت نیز بسیج شده بود (سراج، ۱۳۸۹).

#### ۴. رهیافت جنگ نرم در عرصه اقتصادی

این عرصه از جنگ نرم را باید نتیجه دو روند تکامل نظری قدرت نرم و سخت و نیز نوع مواجهه ایالات متحده آمریکا با جمهوری اسلامی ایران دانست. از نظرگاه اندیشه‌ای، یکی از مفاهیم نوین در زمینه قدرت، ظهور مقوله «قدرت هوشمند»<sup>۳</sup> است که می‌توان

1 . Color Revolution Fails in Iran

2 . AIPAC

3 . Smart Power



آن را سنتز مفهوم قدرت نرم و قدرت سخت مد نظر جوزف نای قلمداد کرد. سوزان ناسل کفایت اصطلاح قدرت نرم جوزف نای را در مقابله با تهدیدهای جدی علیه منافع آمریکا به چالش کشیده و مفهومی جدید را پیشنهاد کرده است. او از قدرت هوشمند به معنای ترکیب هوشمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدها علیه امنیت ملی سخن گفته است. ناسل معتقد است توانایی‌ها و برتری‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک آمریکا باید در یک جهت هماهنگ شود تا برابری آن تداوم برتری آمریکا را تضمین کند (Nosseil, 2004). جوزف نای در سال‌های اخیر در تبیین نظریات خود درباره قدرت به سه نوع قدرت اشاره می‌کند. ابتدا قدرت سخت را مورد واکاوی قرار می‌دهد که بر مبنای زور و تهدید عمل می‌کند؛ سپس قدرت اقتصادی را معرفی می‌کند که قلمرو آن هزینه و تطمیع و پاداش است و در نهایت به معرفی قدرت نرم می‌پردازد که بر مبنای جاذبه عمل می‌کند و آن را قدرت برتر دنیای معاصر می‌داند. نای در تعریف قدرت هوشمند می‌آورد: توانایی درهم آمیختن منابع قدرت سخت و نرم در قالب راهبردهای مؤثر (Nye, 2004).

نای معتقد است که اعمال مجازات‌های اقتصادی جزء حیطه قدرت نرم نبوده و اتفاقاً از مصادیق قدرت سخت است. با توجه به افتراق نظر موجود می‌توان چنین تصور کرد که رهیافت خاصی در این عرصه تعریف شود که تلفیقی از قدرت اقتصادی، سخت و نرم را با ترتیبات خاصی علیه کشور هدف به کار گیرد که در اینجا از آن با عنوان «رهیافت هوشمند» یاد می‌شود.

این رهیافت با به‌کارگیری بسته‌ای از ابزارهای اقتصادی و مبتنی بر «عملیات ادراکی» به دنبال ایجاد اشتباه محاسباتی در هدف است. به عبارت دیگر تحمیل «تصویر کاذب و ساختگی» دشمن از شرایط موجود بر «ذهنیت و ادراک» مسئولان، نخبگان و مردم کشور هدف، موجب ایجاد اشتباه محاسباتی و تجدیدنظر در محاسبات می‌شود. نتیجه چنین فرایندی تغییر رفتار هدف خواهد بود. با این تفاسیر فرایند ایجاد اشتباه محاسباتی و نهایتاً تغییر رفتار چنین خواهد بود: (الف) ایجاد ادراک اشتباه؛ (ب) محاسبه مجدد؛ (ج) اشتباه محاسباتی؛ (د) تغییر رفتار.

یکی از مصادیق جدی اعمال این رهیافت را در مواجهه غرب با پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌توان دید. در چند سال اخیر شاهد اعمال تحریم‌ها و مجازات‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران از سوی کشورهای غربی هستیم

که از آن به عنوان تحریم‌های فلج‌کننده و هوشمند<sup>۱</sup> یاد می‌شود. ریچارد ان. هاس، رئیس اندیشکده شورای روابط خارجی ایالات متحده، در خصوص ماهیت این تحریم‌ها می‌گوید: «احتمال دارد که فشارهای اقتصادی باعث شود برخی در ایران نگاه تازه‌ای به مذاکرات داشته باشند. [افزایش فشار اقتصادی] ایرانی‌ها را به این نتیجه خواهد رساند که هزینه راهی که اکنون پیش گرفته‌اند بسیار زیاد است و بنابراین منطقی است که تغییر رفتار دهند» (مهدوی، ۱۳۹۱).

هم‌چنین استوارت لوی، معاون امور تروریسم و اطلاعات مالی وزیر دارایی ایالات متحده آمریکا، می‌گوید: «تحریم و فشار به خودی خود هدف نیستند. آنها اجزای سازنده اهرم فشار برای راهکار مبتنی بر مذاکره هستند. با انزوای شدید ایران از لحاظ مالی و تجاری و دستمایه قرار دادن نقاط ضعف موجود این کشور، می‌توانیم بر محاسبات ایران تأثیر بگذاریم» (لوی، ۲۰۱۰).

رابرت گیتس، وزیر دفاع سابق آمریکا نیز تصریح کرد: «وقتی ایران ببیند دسترسی‌اش به اقتصاد جهانی قطع شد، تصمیم می‌گیرد محاسباتش را عوض کند» (باقری، ۱۳۹۱).

سوزان مالونی و ری تاکیه، از پژوهشگران برجسته مرکز مطالعات خاورمیانه در مؤسسه بروکینگز و شورای روابط خارجی آمریکا، معتقدند: «در شرایطی که حکومت ایران دچار چنددستگی است و اقتصاد ایران به شدت تحت فشار است، مسلماً سیاست‌های آمریکا در قبال ایران می‌تواند روی تعادل قدرت بین جناح‌های صاحب‌نفوذ در سیاست ایران مؤثر واقع شود و فرصتی برای تغییر اولویت‌های سیاسی ایران فراهم کند. سیاست آمریکا در مقابل ایران باید تشدید فشارهای اقتصادی و تحریم مالی و فنی برنامه‌های هسته‌ای آن کشور، تقویت نیروهای مخالف، تأثیرگذاری روی رقابت‌های درونی صاحبان قدرت و محافظت از همسایگان ایران در برابر تهدیدهای آن کشور باشد» (مهدوی، ۱۳۹۱).

رهبر معظم انقلاب اسلامی در تبیین اهداف دشمن در این رهیافت اقتصادی می‌فرماید: «در جنگ نرم و جنگ روانی هدف دشمن این است که محاسبات طرف مقابل را عوض کند... برای او تنها راه، منحصر در این است که ملت ایران و مسئولین ایران در نهایت به یک محاسبه‌ای برسند که احساس کنند ادامه این راه به صرف‌شان نیست. دشمن می‌خواهد این محاسبه را بر ذهن شما تحمیل کند؛ می‌خواهد من و



شما به این نتیجه برسیم که صلاح نیست در مقابل آمریکا، در مقابل استکبار، در مقابل دستگاه‌های سیاسی تابع کارتل‌های گوناگون اقتصادی، خیلی هم بایستیم و خیلی هم مقاومت کنیم؛ از بعضی از حرف‌ها باید دست بکشیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۱۶). ایشان راهبرد دشمن در ایجاد اشتباه محاسباتی را مبنای این رهیافت جنگ نرم می‌دانند: «هدف جبهه مخالف نظام اسلامی و انقلاب اسلامی و دشمن ما این است که راه را بن بست نشان بدهد. ... تا مسئولان جمهوری اسلامی در محاسبات خودشان تجدیدنظر کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۳).

#### ۵. رهیافت جنگ نرم در عرصه فرهنگی

در سال‌های اخیر رویکرد جدیدی در جنگ نرم شکل گرفته که مبتنی بر رویکرد فرهنگی است. هرچند موضوعی به نام تهاجم فرهنگی سال‌هاست در دستور کار دشمن قرار دارد و رهبر معظم انقلاب از ربع قرن پیش نسبت به آن هشدار دادند، با این حال در مقطع اخیر، نسلی جدید از طراحی و اقدام در این حوزه مشاهده می‌شود که برخی تحلیلگران از آن به «جنگ هنرمندانه»<sup>۱</sup> تعبیر کرده‌اند.

نشانه‌های بروز این جنگ را در به‌کارگیری وسیع صنایع فرهنگی و دستاوردهای فناوریانه در خدمت ناتوی فرهنگی می‌توان دید. بروز جدی این نوع رویکرد در شبکه‌های اجتماعی جدید، شبکه‌های ماهواره‌ای، سبک زندگی، فیلم و سریال و ساخت سریال‌های طولانی با تبلیغ سبک زندگی غربی مشاهده می‌شود.

مقام معظم رهبری در این خصوص فرمودند: «یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بوده است که سعی کنند جوان‌های مؤمن را از پای‌بندی‌های متعصبانه به ایمان، که همان چیزهایی است که یک تمدن را نگه می‌دارد، منصرف کنند؛ همان کاری را که در اندلس، در قرن‌های گذشته کردند. یعنی جوان‌ها را در عالم به فساد و شهوترانی و میگساری و این چیزها مشغول کردند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۵/۲۱).

جنگ نرم فرهنگی تلاش می‌کند با عادی‌سازی مفاهیم غیردینی و ترویج اباحه‌گری و حتی در مواردی ضد دینی، زمینه لازم را برای بهره‌برداری‌های بلندمدت فراهم سازد. در این رهیافت لایه عمل‌کننده کلیت مردم جامعه است که مورد هجوم فرهنگی قرار گرفته است.

ایجاد بی‌اعتمادی بین مردم برای محصور و استحاله کردن اصل ولایت فقیه از جمله راهکارهای اصلی در این روش است. این مسئله در راستای تلاش امریکا و صهیونیسم بین‌الملل برای فروپاشی و ناکارآمدسازی گفتمان انقلاب اسلامی است و ریشه در نظریه جنگ نرم فوکویاما دارد که «مهندسی معکوس» لقب گرفته است. فوکویاما معتقد است: «برای پیروزی بر یک ملت، باید میل و ذائقه آن ملت را تغییر داد و نظام ارزشیشان را نابود کرد.» (فوکویاما، ۱۳۸۶).

یکی از جدی‌ترین ابزارهای تأثیرگذاری دشمن بر سبک زندگی جامعه ایرانی، شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان است که بنا بر برخی آمارها، میزان نفوذ آن در شهرهای بزرگی هم‌چون تهران، تا حدود ۶۰ درصد برآورد شده است. در حالی که در سال ۷۳ تنها سه شبکه تلویزیونی فارسی‌زبان شامل شبکه تلویزیونی گروهک نفاق و دو شبکه لس‌آنجلسی مشغول فعالیت علیه امنیت و فرهنگ مردم کشورمان بودند، در سال‌های اخیر این تعداد به ۱۲۵ شبکه فارسی‌زبان رسیده که از این تعداد ۱۳ شبکه فقط مخصوص پخش سریال و فیلم‌های سینمایی هستند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۶/۱۸).

تطور و تنوع این شبکه‌ها را در سه نسل متممادی می‌توان طبقه‌بندی کرد. نسل اول این شبکه‌ها عمدتاً متعلق به گروه‌های ضد انقلاب ایرانی مستقر در غرب بودند که کیفیت لازم را نداشتند. اوج تحرکات این شبکه‌ها دعوت به اغتشاشات خیابانی سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۲ بود. با روشن شدن ناکارآمدی این شبکه‌ها با گذشت زمان، شاهد شکل‌گیری نسلی جدید از شبکه‌ها هستیم که با رویکرد خبری و سیاسی و زیر نظر مستقیم بنگاه‌های رسانه‌ای دول غربی اداره می‌شوند. نمونه‌های بارز آن بخش فارسی بی‌بی‌سی و صدای امریکا هستند. اوج کارکرد این شبکه‌ها در سال ۱۳۸۸ در جریان اغتشاشات پس از انتخابات بود. در نهایت پس از فروکش کردن موج فتنه و ایجاد سرخوردگی سیاسی اجتماعی در حامیان آن، نسل سوم این شبکه‌ها ظهور کرد که با محوریت فیلم و سریال و ترویج سبک زندگی غربی حرکت می‌کنند. هرچند این شبکه‌ها ظاهراً سیاسی نیستند، اما از ضریب نفوذ بالایی برخوردارند و در بلندمدت در ترویج ارزش‌های لیبرالی و در نهایت تغییر رفتار جامعه ایرانی مؤثرند. سیر تطور شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان در نمودار زیر به نمایش درآمده است.





• شبکه‌های سیاسی سلطنت‌طلبان و اپوزیسیون خارج (لس آنجلس) • NITV • Pars TV • Simaye Azadi • Channel One و ...	نسل ۱
• شبکه‌های بنگاه‌های خبرپرانی نظام سلطه • BBC persian • Persian VOA	نسل ۲
• شبکه‌های سبک زندگی و فیلم سریال • manoto • Farsi1	نسل ۳

### نمودار ۲- سیر تطور شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان

نسل سوم شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان که با پخش فیلم و سریال و برنامه‌های سرگرمی فعالیت می‌کند، نقش مستقیمی در ترویج شاخصه‌های غیراخلاقی سبک زندگی غربی دارد. مهم‌ترین موضوع‌هایی که در این شبکه‌ها دنبال می‌شوند، عبارت‌اند از: ترویج سبک زندگی غربی، عادی‌سازی روابط نامشروع، قبح‌زدایی از پدیده‌هایی چون خیانت زن به شوهر، دوستی با جنس مخالف، رابطه جنسی قبل از ازدواج، بارداری قبل از ازدواج، فرزند نامشروع، سقط جنین، هم‌جنس‌بازی و ... علاوه بر اینها محتوای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و نیز کالاهای تولیدشده تجاری هم‌چون لباس‌های منطبق بر آخرین مدها نقش مکملی در ترویج اباحه‌گرایی دارند (نمودار ۳).



### نمودار ۳- ترویج اباحه‌گرایی در جنگ هنرمندانه

## نتیجه‌گیری

تأمین امنیت ملی پایدار، به خصوص امنیت نرم که از جدیدترین رویکردهای علمی به مقوله امنیت است، لزوم توجه بیش از پیش به گستره وسیع جنگ نرم و پیامدهای آن را روشن می‌کند. حوزه جنگ نرم، حوزه‌ای وسیع است که بخش قابل توجهی از تعاملات، پندارها و رفتارهای اجتماعی انسان را تحت تأثیر خود قرار داده است. گستره وسیع نظری و کارکردی جنگ نرم و نیز محسوس نبودن آن برخلاف جنگ نظامی، موجب می‌شود خسارات ناشی از این جنگ به مراتب وسیع‌تر از جنگ نظامی شود؛ احتمال غافلگیری حریف بالاتر رود؛ آسیب‌پذیری نیروهای خودی بر اثر آن بیشتر گردد. بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین عوامل کارایی این جنگ، غافلگیرسازی جبهه حریف به ویژه نخبگان آن است. آنچه مشاهده می‌شود گاه در عمل با طرح این موضوع که چنین مفاهیمی فاقد ارزش علمی بوده و مورد پذیرش محافل آکادمیک غربی نبوده‌اند، در برخی مجلات علمی این مسئله مورد کم‌توجهی قرار گرفته است. صحنه تقابل و مواجهه نظام سلطه با جمهوری اسلامی ایران در سه دهه اخیر را می‌توان عرصه تمام‌عیار جنگی نرم دانست. استفاده دشمن از شقوق مختلف ابزارها و جدیدترین رهیافت‌های علمی و عملی نشان از موضوعیت جدی این مسئله برای دشمن دارد. هدف از این جنگ در سه سطح مهار، تغییر رفتار و تغییر ساختار قابل بررسی است. هر یک از این سطوح در دو رویکرد نرم و سخت قابل تجزیه و تحلیل است.

در ساحت الگوی کارکردی نیز رهیافت‌های هانتینگتونی و عمقی در عرصه سیاسی، رهیافت جین شارپی در عرصه اجتماعی، رهیافت هوشمند در عرصه اقتصادی و رهیافت جنگ هنرمندانه در عرصه فرهنگی ارائه و در طول سه دهه جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران به کارگیری شده است.

بنابراین لازم است این جنگ برای نخبگان محسوس و عینی شود؛ از این رو باید وجوه تشابه و افتراق جنگ نرم و سخت تبیین گردد و با بررسی رهیافت‌های نظری ارائه‌شده، جنگ نرم در هر یک از عرصه‌های چهارگانه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مورد مطالعه و مذاقه بیشتر قرار گیرد.



## منابع فارسی

- آراین منش، جواد (۱۳۸۷)، «نائب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی: آخرین آمار دیش‌های ماهواره‌ای در ایران»، چهارم آذر.
- اخوان، محمدجواد و حمیدرضا شاه‌نظری (۱۳۸۸)، افسون اشباح: واکاوی روند تکوین جریان تجدیدنظرطلب در پروژه جنگ نرم، تهران: مرکز مطالعات و اطلاع‌رسانی شجره طیبه، سازمان بسیج دانشجویی.
- اخوان، محمدجواد (۱۳۸۹ الف)، عبور از فتنه: بازخوانی پرونده یک سال نبرد نرم (ج ۱)، بروز فتنه، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های سازمان بسیج دانشجویی.
- اخوان، محمدجواد (۱۳۸۹ ب)، عبور از فتنه: بازخوانی پرونده یک سال نبرد نرم (ج ۳)، بازیگران فتنه، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های سازمان بسیج دانشجویی.
- اخوان، محمدجواد (۱۳۹۰)، سراب اصلاحات: بازخوانی کارنامه اصلاح‌طلبان در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های سازمان بسیج دانشجویی.
- باقری، سیامک (۱۳۹۱)، «اهداف و انگیزه‌های دنیای غرب در تحریم علیه ایران»، پایگاه بصیرت:

[www.basirat.ir/Print/247422/](http://www.basirat.ir/Print/247422/)

- بصیری، محمدعلی (۱۳۹۱)، «جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران (روش‌ها، ابزارها و راه کارها)»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، س ۲، ش ۵، بهار.

- خبرگزاری فارس (۱۳۹۲)، خبر شماره ۱۷۰۰۴۸۱/۱۸/۱۳۹۲/۶:۱۳۹۲:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920617000481>

- خرم، مسعود (۱۳۷۸)، هویت، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حیان.

- سراج، رضا (۱۳۸۶)، «راهبرد مهار و جنگ سرد»، باشگاه اندیشه:

[http://www.bashgah.net/fa/content/print\\_version/16976](http://www.bashgah.net/fa/content/print_version/16976)

- سراج، رضا (۱۳۸۷)، جنگ در پناه صلح، مؤسسه اطلاع‌رسانی و مطالعات فرهنگی لوح و قلم، قم: تسنیم اندیشه.

- سراج، رضا (۱۳۸۸)، «جنگ روانی انتخاباتی یا زمینه‌سازی برای انقلاب رنگین،

خبرگزاری فارس، ۸۸/۳/۹:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8803091230>

- سراج، رضا (۱۳۸۹)، «قلم‌های روان‌شده آگاهان بین‌المللی پیرامون فتنه ۸۸»،

خبرگزاری فارس، ۸۹/۸/۱۵:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8908151417>

- سراج، رضا (۱۳۹۰)، «لایه‌های یک هجمه تمام‌عیار»، اندیشکده برهان، ۱۵/۱۰/۱۳۹۰:

<http://borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=1457>

- شارپ، جین (۱۹۹۳)، از دیکتاتوری به دموکراسی، چارچوبی نظری برای کسب آزادی، مؤسسه آلبرت انیشتین.

- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۵)، رویکردها و طرح‌های امریکایی درباره‌ی ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

- فضلی نژاد، پیام (۱۳۸۶)، «جین شارپ پدرخوانده روشنفکران مخملی؛ شوالیه‌های ناتوی فرهنگی»، روزنامه کیهان، اول فروردین.

- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۶)، پایان نظم - سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.

- کرمی، مسعود (۱۳۸۷)، قابلیت‌های بسیج و سرمایه اجتماعی، مجموعه مقالات قدرت نرم، ج ۲، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج: ۳.

- لوی، استوارت (۲۰۱۰)، وبگاه فارسی وزارت خارجه آمریکا:

<http://preprod.iipdigital.getusinfo.com/st/persian/texttrans/20100924134039/09/2010x1.285952e-2.html#axzz2eoO5HHFG>

- نائینی، علی محمد (۱۳۸۹)، «بررسی تطبیقی سه‌گانه تهدید سخت، نیمه سخت و نرم»، فصلنامه راهبرد دفاعی، ش ۳۰: ۹۰.

- نائینی، علی محمد (۱۳۹۱)، اصول و مبانی جنگ نرم، تهران: نشر ساقی.

- محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، «منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران»، مجله پانزده خرداد، ش ۱۶، تابستان:

- مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی، ۱۳۸۸/۶/۴.

- مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲.

- مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴/۱۱/۱۳۷۶.

- مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۴/۱۱/۱۳۷۳.

- مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۹/۵/۲۷.

- مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران در حرم امام



خمینی(ه)، ۱۴/۳/۱۳۸۹.

- مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار زاپیرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۲/۱۳۸۳.

- مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۲۹/۳/۱۳۸۵.

- مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۵/۱۱/۱۳۸۹.

- مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۶/۵/۱۳۹۱.

- مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۳/۵/۱۳۹۱.

- مهدوی، محمدباقر (۱۳۹۱)، دام مذاکره و فرا راهبردهای مقابله‌ای ج.ا.ا، اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۸ اسفند:

<http://tabyincenter.ir/index.php/menu-examples/child-200-/negotiate-with-america/item/13-21-06-15-082011/items-negotiation-victim-and-iran-contrast-strategies>

- نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم و ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه سید محمد روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۲)، موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه احمد شهباس، تهران: نشر روزنه.

#### منابع لاتین

- Beeher, Lionel (2006), "U.S. Soft Diplomacy in Iran", <http://www.cfr.org>, Publication 17, Feb.

- Fraser, Matthew (2008), *Soft Power Super Powers Cultural and National Assets of Japan and the United States*.

- Meyssan, Thierry (2009), "«Color Revolution» Fails in Iran", *Voltairenet*, 27 June:

<http://www.voltairenet.org/article۱۶۰۷۶۴.html>

- Mowlana, Hamid (1986), *Global Information and World Communication*, First Edition, Sage Publications: London, New Frontiers in International Relations.



- Nossel, Suzanne (2004), "Smart Power", *Foreign Affairs*, Vol. 83, No.2, April.
- Nye, Jiseph S. jr (2007), Power in World Politecs. Ed *Notes on a Soft Power Reseach Agenda*, Felix Berenskoetter and M.J.Williams, Riutledge.
- Palmer, Mark (2004), *Iran-a New Approach*, Committee on the Present Danger, 20 December.
- Robin, Michael (2006), *Can Iran be Trusted?* AEI, Middle Eastern Sep., out Look, 1  
www.meforum.org/1002/can-iran-be-trusted
- Boston Globe, 29 - Sharp, Gene (2005), *By Other MeansWay*, The May,  
[war\\_/com/news/globe/ideas/articles/29/05/2005.boston.http://www  
by\\_other\\_means?pg=full](http://www.war_/com/news/globe/ideas/articles/29/05/2005.boston.http://www.by_other_means?pg=full)

